



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶ / ۰۱ / ۰۵

یونس نگاه

درس دمکراسی امریکا

دمکراسی و حقوق بشری که در جهان سرمایه‌داری ما و شما رایج است، قواعدی دارد که اگر به آن توجه نکنیم به دردمر می‌افتیم و حساب و کتاب‌های سیاسی از پیش ما گدود می‌شود.

۱ (دمکراسی رایج لیبرالی به رابطه افراد در یک حوزه معین جغرافیایی توجه دارد. چون در دنیای امروز آدم‌ها به گله‌های ملی جبراً تقسیم شده‌اند، دمکراسی در بهترین حال به انسانی‌تر و کم‌جنجال‌تر ساختن روابط آدم‌ها در درون یک مرز جغرافیایی معنا می‌یابد. حقوق بشر زیرمجموعه دمکراسی است و تابع همین اصل.

از این رو اگر کشوری نظام دمکراتیک و حکومت انتخابی دارد، قواعد حداقلی حقوق بشری در رابطه افراد و اقشار و نهادهای داخل آن کشور رعایت می‌شود یا حداقل چارچوبی برای تسهیل چنان رعایت‌هایی معرفی شده است، لزوماً این چارچوب رابطه آن جامعه را با جوامع دیگر و ملت‌های دیگر دمکراتیک و حقوق بشری نمی‌سازد.

۲ (دولت‌هایی که صاحب پشتوانه دمکراتیک در داخل‌اند، می‌توانند در بیرون بسیار وحشیانه و ظالمانه عمل کنند. چون حاکمان آن کشورها به دلیل سازوکار «دمکراتیک» خود را نمایندگان مشروع و صاحب صلاحیت مردم آن سرزمین دانسته و در عین حال مدافع حقوق و امتیازات آنان تبلیغ می‌کنند. از این رو با اتکا به همان قوانین و مقرراتی که روابط داخلی جامعه را انسانی‌تر می‌سازد، توانایی فوق‌العاده در بسیج نیروی بشری و اختصاص منابع برای رویارویی خارجی دارند. حاکمان نظام «دمکراتیک» به آسانی می‌توانند ساکنان سرزمین دیگری را عامل خطر به جان و مال و آزادی و رفاه ساکنان سرزمین خودی معرفی کرده و برای بمباران، تحقیر و غارت کشور «دشمن» ذهنیت‌سازی کرده و نهادها و منابع «دمکراتیک» را به ابزار شر در خارج آن جغرافیا بدل کنند.

۳ (دمکراسی لیبرالی ضامن عدالت نیست. اگرچه جامعه دمکراتیک مزیت‌های زیادی برای شهروندان عادی دارد، ولی زمانی که با ملی‌گرایی متمایل به فاشیسم و سرمایه‌داری لجام‌گسیخته همراه شود، کتله اصلی باشندگان کشور را به مجریان بی‌اختیاری بدل می‌کند که قدرت اثرگذاری بر سیاست‌های کلان را ندارند و در یک مسیر از پیش تعیین شده دمکراتیک پای صندوق رای می‌روند، مخالفت و موافقت می‌کنند، شعار می‌دهند و ابراز نظر می‌کنند تا دوباره به امور روزمره چون نان و آب و بل برق و نسخه داکتر و فیس مکتب بچه و قرض بانک و صدها مساله‌ای بر می‌گردند که «مهم‌تر» از بودیجه نظامی و حمله بر یک کشور خارجی اند.

در نتیجه برخورداران و فابریکه‌داران و جنرالان چنین جوامع می‌توانند منافع مالی و سیاسی خود را در سطح بین‌الملل به نام منافع ملی و دمکراتیک کشور با آزادی و آرامش بیشتر از زورمندان غیردمکراتیک پی‌گیری کنند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادونه: دليکنې دليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ

بریتانیای کبیر وقتی مشغول غارت هند و افریقا و خاورمیانه و بسیار جاهای دیگر بود، در داخل کشور صاحب نظام پارلمانی، «پاسخگو» و صاحب حساب و کتاب بود. انتخابات داشتند، آزادی‌های مدنی و حقوق انسانی داخلی را در چوکات قوانین همان زمان که در مقایسه به سایر کشورها کمنظیر بود، رعایت می‌کردند. امریکای قرن بیست و بیست‌ویکم هم در امور داخلی صاحب قوانین مترقی است و مناسبات اجتماعی بین مردم و دولت در خیلی از موارد بسیار انسانی‌تر از جوامع دیگر است. اما آن جامعه پیشرفته در برابر سایر مردم دنیا و در مناسبات خارج از مرزهای جغرافیا و منافع اقتصادی امریکا یک دیو تمام عیار است. اسرائیل و فرانسه و دیگران نیز همان‌طورند.

ایده تشکیل سازمان ملل متحد در قرن بیستم از ضرورت کاهش خطر کشورهای «دمکراتیک» و غیر دمکراتیک در آسیب‌زدن به همدیگر برخاسته بود. تلاش شد تا با معرفی منشور سازمان ملل و اعلامیه حقوق بشر، روابط نیک انسانی را به بیرون از مرزهای جغرافیایی تعمیم دهند. این کار از همان نخست با مشکل مواجه شد و دولت‌های قدرت‌مند در سرکوب و غارت کشورهای دیگر به قواعد تن ندادند. هر چند وجود سازمان ملل زمینه گفتگو و چانه‌زنی را برای کاهش خطر تجاوزهای خارجی فراهم ساخته بود، ولی در عمل آن سازمان به تدریج ابزار «دمکراسی‌های قدرت‌مند» شد.

حالا سازمان ملل در حال احتضار است. انسان‌های با وجدان در میان مقامات آن سازمان حتما در این سال‌ها خواب آرام ندارند و از تهی بودن اعلامیه‌ها و شعارهای‌شان عذاب می‌کشند. ولی در هر حال آن سازمان هنوز از نظر رسمی نفس می‌کشد. سازمان‌ها، افراد و گروه‌هایی که نگرانی عدالت دارند و از تشدید فاشیسم «دمکراتیک» و لجام‌گسیختگی تمام عیار بین‌المللی می‌ترسند، باید دو چیز را هدف قرار دهند:

اول) تامین عدالت و کاهش استثمار و غارت در داخل کشورها. نظام‌های غارتگر دمکراتیک و غیر دمکراتیک جوامع را خلع صلاحیت می‌کنند و گروهی از سرمایه‌داران و بیروکرات‌ها با اتکا به قدرت جمعی مردم و منابع سرشاری که غارت شده، دست به بازی‌های غارت‌گرانه در سراسر جهان می‌زنند و غرق در قدرت و پول بسیار به فکر مهندسی جوامع، قاره‌ها و حتی نظام شمسی و کاینات می‌افتند! و در این راه میلیون‌ها انسان را هر سال عملاً لگدمال و نابود می‌کنند. دمکراسی بدون عدالت دیو می‌زاید.

دوم) برای بازسازی سازمان ملل تلاش صورت گیرد. مطمئناً احزاب و افراد پرنفوذی در سراسر دنیا داریم که نگران وضعیت جاری هستند. آنان را اگر حمایت کنیم تا بیشتر صاحب صلاحیت شوند، در رسانه‌ها و کتاب‌ها و بحث‌های خود به ضرورت مبارزه با ملی‌گرایی فاشیستی، قوم‌گرایی و نژادگرایی صحبت نماییم، دوباره امید زنده خواهد شد و روزی شاید منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر بسیار قدرت‌مندتر از قوانین اساسی کشورها و کتاب‌های مقدس و نامقدس مذهبی و فرقه‌ای گردند.



آرشیف: نو یسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین

د پانو شمېره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په څیر و لولئ